



ریاست جمهوری

سازمان برنامه و بودجه کشور

سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان چهارمحال و بختیاری  
مدیریت آموزش و پژوهش های توسعه و آینده نگری

## **برنامه آموزشی احراز صلاحیت تدریس و تربیت مدرسان دوره های آموزشی کارکنان دولت**

**عنوان دوره :**

روش ها و فنون آموزشی (تدریس)

**مدت دوره :**

۸ ساعت

**مدرس:**

محمدحسین حیدری

تمامی حقوق این اثر محفوظ و متعلق به سازمان مدیریت و برنامه ریزی  
استان چهارمحال و بختیاری می باشد.

## فهرست مطالب

۴	مفهوم آموزش و یادگیری
۴	آموزش چیست؟
۴	یادگیری چیست؟
۶	انواع آموزش
۶	نظریه‌های یادگیری (با تأکید بر آموزش بزرگسالان)
۷	نظریه رفتارگرایی
۷	نظریه روان‌شناسی شناختی
۸	نظریه ساخت‌گرایی
۸	نظریه یادگیری اجتماعی
۸	نظریه ساخت‌گرایی اجتماعی
۹	یادگیری تجربی
۹	نظریه یادگیری موقعیتی و جامعه عملگرا
۱۰	ارتباط آموزش و تدریس
۱۰	آموزش بزرگسالان
۱۱	خصایص اجتماعی بزرگسالان
۱۲	خصایص شخصیتی و روانی بزرگسالان
۱۳	ماهیت تدریس بر اساس انواع دانش
۱۳	مؤلفه‌های اصلی تدریس
۱۴	طبقه‌بندی اهداف آموزشی و نحوه تدوین آن
۱۶	الگوها و رویکردهای تدریس
۱۶	نمونه‌هایی از رویکردهای تدریس
۱۶	تقسیم‌بندی فنس‌تر ماخر در رویکردهای تدریس
۱۸	مهارت‌های تدریس

۱۸	مهارت‌های پیش از تدریس
۱۸	طراحی آموزشی:
۲۰	تدوین طرح درس
۲۵	مهارت‌های ضمن تدریس
۲۵	۱- توانایی برقراری ارتباط مدرس با فراگیران
۲۶	۲- آشنایی با اصول تدریس و مدیریت کلاس
۲۷	۳- آشنایی با روش‌های تدریس
۲۷	۱- توضیحی (expository)
۲۷	۲- سخنرانی (lecture)
۲۹	۳- روش (فن) پرسش و پاسخ
۳۱	۴- روش بحث گروهی
۳۲	۵- روش نمایشی (demonstration)
۳۳	۶- روش ایفای نقش (Role playing)
۳۴	۷. روش آزمایشی (experiment)
۳۵	۸. روش اکتشافی (discovery)

## مفهوم آموزش و یادگیری

**آموزش چیست؟** آموزش به فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که در خدمت پرورش و کارآموزی قرار دارند و معمولاً مجموعه اقداماتی را که مدرس به جهت تسهیل یادگیری برای یادگیرندگان به وسیله خود و یا ابزارهای آموزشی انجام می‌دهد آموزش نامیده می‌شود. در واقع آموزش ایجاد فرصت‌هایی برای یادگیری فراگیران است. به طور کلی آموزش به صورت فعالیت‌ها و اقداماتی است که توسط استاد / مدرس برای سهولت بخشیدن و کمک کردن به یادگیری یادگیرنده انجام می‌گردد و به فعالیت‌هایی گفته می‌شود که با هدف آسان ساختن یادگیری از سوی آموزگار یا معلم طرح‌ریزی می‌شود و بین آموزگار و یک یا چند یادگیرنده به صورت کنش متقابل جریان دارد و در واقع هرگونه فعالیت یا تدبیر از پیش طرح‌ریزی شده‌ای که هدف آن آسان کردن یادگیری برای یادگیرندگان است.

**آموزش کارکنان:** آموزش تجربه‌ای مبتنی بر یادگیری است که به منظور ایجاد تغییر نسبتاً پایدار و ماندگار در نیروی انسانی صورت می‌گیرد تا آنها بتوانند توانایی خود را برای انجام کار بهبود بخشند. آموزش می‌تواند تغییر مهارت‌ها، دانش، نگرش‌ها و رفتار اجتماعی را در برداشته باشد. آموزش همچنین کوشش در جهت بهبود عملکرد کارکنان در ارتباط با انجام کار و مسایل مربوط به آن می‌باشد و هنگامی که کارکنان با آموزش بتوانند یک فعالیت سازمانی و یک شغل مناسب با آن را به درستی انجام دهند این آموزش مفید و اثر بخش بوده است و در واقع این آموزش توانسته است نیاز آموزشی سازمان را برطرف کند.

**آموزش سازمانی:** آموزش سازمانی یک سلسله عملیات منظم و پیوسته می‌باشد که دارای اهدافی مشخص به شرح ذیل می‌باشد:

۱- ایجاد و ارتقاء سطح دانش و آگاهی کارکنان

۲- ایجاد و ارتقاء سطح مهارت‌های شغلی

۳- ایجاد رفتار مطلوب و متناسب با ارزش‌های پایدار سازمان و جامعه در جهت توسعه کشور.

**یادگیری چیست؟** هدف آموزش تسهیل فرایند یادگیری است و یادگیری یکی از مهم‌ترین زمینه‌ها در علوم امروز و از مشکل‌ترین مفاهیم می‌باشد و دارای تعاریف گوناگون از قبیل کسب دانش، فهمیدن، تسلط یابی از راه تجربه یا مطالعه می‌باشد، ولیکن معروف‌ترین تعریف برای یادگیری به شرح ذیل است:

«یادگیری به فرآیند ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در رفتار یا توان رفتاری گفته می‌شود که حاصل تجربه است و نمی‌توان آن را به حالت‌های موقتی و زودگذر نسبت داد. در واقع یادگیری تغییر نسبتاً پایدار در توان رفتاری (رفتار بالقوه) است که در نتیجه تمرین تقویت شده رخ می‌دهد».

یادگیری دارای ۳ ویژگی مهم به شرح ذیل می‌باشد:

۱- تغییر نسبتاً پایدار

۲- توان رفتاری (رفتار بالقوه)

۳- تمرین تقویت شده (تجربه و تکرار آموخته‌ها)

یادگیری همیشه جنبه عمدی (از روی قصد و هدف) ندارد بلکه گاهی اوقات یادگیری به طور اتفاقی رخ می‌دهد و آن چه که دانش‌آموزان و دانش‌جویان در ضمن آموزش رسمی استادان / مدرسان درباره موضوعات مختلف درسی می‌آموزند، یادگیری عمدی است اما در همین دانش‌آموزان و دانش‌جویان در ضمن حضور در مدرسه و در اثر ارتباط با مدرسان و دوستان بسیاری یادگیری‌های غیرعمدی نیز اتفاق می‌افتد که از قبل طرح‌ریزی نشده و قابل پیش بینی نیستند.

اصول یادگیری: برای اینکه یادگیری هرچه بهتر و اساسی‌تر صورت گیرد باید اصول یادگیری را رعایت کرد که به شرح ذیل می‌باشد:

۱- وقتی فراگیر یا کارآموز برانگیخته شده باشد یادگیری افزایش می‌یابد و این بدان معناست که فرد باید بخواهد تا یاد بگیرد و تمایلی در این زمینه از خود نشان دهد.

۲- یادگیری به بازخورد نیاز دارد تا با این کار فراگیر بتواند از مجموعه اعمال و عملکرد خود مطلع شده و آسانتر اشتباهات خود را تصحیح کند.

۳- تقویت، احتمال تکرار رفتار آموخته شده را افزایش می‌دهد که این تقویت یا پاداش می‌تواند به طرق مختلف انجام گیرد.

۴- تمرین، عملکرد فراگیرنده را بهبود می‌بخشد.

۵- یادگیری با شتاب آغاز می‌شود و سپس یکنواخت می‌گردد.

۶- یادگیری باید قابل انتقال به شغل باشد.

تمامی اصول ذکر شده بالا برای یادگیری مهم و در جای خود با اهمیت می‌باشد ولیکن یکی از مهمترین اصول یادگیری که تناسب زیادی با آموزش بزرگسالان دارد اصل ذکر شده در بند ۶ می‌باشد که یادگیری باید قابل انتقال به شغل باشد، زیرا یکی از عواملی که سبب ایجاد انگیزه در نیروی انسانی می‌گردد این است که محتوای آموزش برای او کاربرد داشته و بتواند آنها را در مسیر شغلی خود به کار برد.

### **انواع آموزش:** سازمان یونسکو آموزش را به ۳ دسته تقسیم می‌نماید:

۱- آموزش‌های رسمی (Education) : به کلیه آموزش‌های ارائه شده در نظام رسمی آموزش هر کشوری که بر اساس نیاز جامعه طراحی می‌گردد و دارای ساختاری مشخص بوده و از سلسله مراتب منظمی پیروی می‌کند، آموزش رسمی اطلاق می‌شود که شامل آموزش‌های قبل از دبستان (پیش دبستانی) تا دانشگاه و مدارج عالییه تحصیلی می‌باشد. در واقع آموزش بر مبنای قواعد و قوانین از پیش تعیین شده و مکتوب می‌باشد و جهت آموزش و روند اجرایی آن قانون‌های خاصی وجود دارد.

۲- آموزش‌های غیر رسمی (Training): به کلیه آموزش‌هایی که با هدف ایجاد مهارت برای انجام مطلوب کار و وظایف شغلی و خارج از نظام آموزش‌های رسمی انجام می‌پذیرد اطلاق می‌گردد. این آموزش‌ها معمولاً با هدف ایجاد دانش، مهارت و نگرش در فراگیران برای انجام مطلوب وظایف در سازمان‌ها برنامه‌ریزی می‌گردد و بر اساس نیاز سازمان‌ها طراحی می‌شود. کارگاه‌های آموزشی که در موسسات آموزشی و سازمان‌ها برگزار می‌گردد نمونه بارزی از این نوع آموزش‌ها می‌باشد.

۳- آموزش‌های ضمنی (Implicit Training): هرآنچه که انسان در طول عمر و زندگی خود به گونه‌ای سازمان نیافته و نامنظم در زمینه دانش و ... فرا می‌گیرد اطلاق می‌گردد. ما انسان‌ها مدام در حال یادگیری هستیم و روزمره با وقایع، مسایل و تجربیاتی آشنا می‌شویم که برای ما تازگی دارد و بدون برنامه خاصی سبب می‌گردد تا چیزهایی را یاد بگیریم که نوع از آموزش‌ها، آموزش ضمنی اطلاق می‌گردد.

### **نظریه‌های یادگیری (با تاکید بر آموزش بزرگسالان)**

چنانچه پیشتر بدان اشاره شد، یادگیری فرآیندی است که تجربیات و تاثیرات شخصی و محیطی را برای کسب، غنی‌سازی یا اصلاح دانش، مهارت‌ها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، رفتار و جهان‌بینی فرد فراهم می‌آورد. نظریه‌های

یادگیری، فرضیه‌هایی را مطرح می‌کنند تا توضیح دهند این فرآیندها چگونه روی می‌دهند. مطالعه‌ی علمی یادگیری به‌طور جدی در اوایل قرن بیستم آغاز شد. معروفترین نظریه‌های یادگیری عبارتند از:

**نظریه رفتارگرایی:** دیدگاه‌های رفتارگرایی در مورد یادگیری در اوایل دهه ۱۹۰۰ آغاز شد و در اوایل قرن بیستم به جریان اصلی تبدیل شد. ایده‌ی اصلی رفتارگرایی آن است که یادگیری شامل تغییر در رفتار به دلیل اکتساب، تقویت و استفاده از ارتباطات بین محرک‌ها از محیط و پاسخ‌های قابل مشاهده فرد است. رفتارگرایان به تغییرات قابل اندازه‌گیری در رفتار علاقه‌مندند.

ثردنایک، یکی از نظریه‌پردازان اصلی رفتارگرا، این نکات را مطرح کرد که:

(۱) پاسخ به یک محرک وقتی تقویت می‌شود که پاداش مثبتی در مقابل آن داده شود،

(۲) پاسخ به محرک با تمرین و تکرار قوی‌تر می‌شود.

این دیدگاه یادگیری شبیه به برنامه‌های «تعلیم و تمرین» است. اسکینر، یکی دیگر از رفتارگرایان تاثیرگذار، گزینه رفتارگرایی خود را تحت عنوان «شرطی‌سازی عامل» مطرح کرد. به عقیده او، پاداش دادن به بخش‌های درست رفتار، آن را تقویت می‌کند و باعث بازپیدایی آن می‌شود.

بنابراین، تقویت‌کنندگان وقوع رفتارهای جزئی دلخواه را کنترل می‌کنند. یادگیری نزدیک شدن گام به گام یا متوالی رفتارهای جزئی مطلوب به واسطه استفاده از پاداش و مجازات است. شناخته شده‌ترین کاربرد نظریه‌ی اسکینر «آموزش برنامه‌ریزی شده» است که به موجب آن توالی درست رفتارهای جزئی که باید آموخته شود، با تحلیل دقیق وظیفه مشخص می‌شود.

**نظریه روان‌شناسی شناختی:** روان‌شناسی شناختی در اواخر دهه ۱۹۵۰ آغاز شد و مرحله بعد از رفتارگرایی را شکل داد. در این نظریه، همچون دیدگاه رفتارگرایان، مردم دیگر به عنوان مجموعه پاسخ به محرک‌های خارجی شناخته نمی‌شوند، بلکه پردازنده‌های اطلاعات هستند. روان‌شناسی شناختی به پدیده‌های ذهنی پیچیده که توسط رفتارگرایان نادیده گرفته شد، توجه کرد و با ظهور رایانه به عنوان دستگاه پردازنده اطلاعات که شبیه به ذهن انسان بود، تحت تأثیر قرار گرفت.

در روان‌شناسی شناختی، یادگیری در قالب کسب دانش درک می‌شود: یادگیرنده یک پردازنده اطلاعات است که اطلاعات را جذب می‌کند، عملیات شناختی را بر روی آن انجام می‌دهد و این اطلاعات را در حافظه ذخیره می‌کند.

بنابراین، روش‌های مطلوب آموزش، سخنرانی و خواندن کتاب‌های درسی است؛ و در حالت افراطی آن، یادگیرنده کسی است که منفعلانه دانش را از معلم دریافت می‌کند.

**نظریه ساخت‌گرایی:** ساخت‌گرایی در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ ظهور کرد و این ایده را مطرح کرد که یادگیرندگان، پذیرندگان منفعل اطلاعات نیستند بلکه دانش خود را به طور فعال در تعامل با محیط و از طریق سازماندهی مجدد ساختارهای ذهنی خود ایجاد می‌کنند. به این ترتیب، یادگیرندگان افرادی خردمند در نظر گرفته می‌شوند که صرفاً اطلاعات موردنظر را ثبت نمی‌کنند بلکه آنها را تفسیر و تحلیل هم می‌کنند.

این دیدگاه یادگیری به تغییر از استعاره «کسب دانش» به استعاره «ساخت دانش» منجر شد. ساخت‌گرایی در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ ظهور کرد و این ایده را مطرح کرد که یادگیرندگان، پذیرندگان منفعل اطلاعات نیستند بلکه دانش خود را به طور فعال در تعامل با محیط و از طریق سازماندهی مجدد ساختارهای ذهنی خود ایجاد می‌کنند. به این ترتیب، یادگیرندگان افرادی خردمند در نظر گرفته می‌شوند که صرفاً اطلاعات موردنظر را ثبت نمی‌کنند بلکه آنها را تفسیر و تحلیل هم می‌کنند.

**نظریه یادگیری اجتماعی:** نظریه معروف یادگیری اجتماعی را آلبرت بندورا مطرح کرده است که در چارچوب‌های شناختی و رفتاری کار می‌کند و توجه، حافظه و انگیزه را در بر می‌گیرد. نظریه یادگیری او نشان می‌دهد که افراد در موقعیت‌های اجتماعی یاد می‌گیرند و این یادگیری از طریق مفاهیمی مانند الگوبرداری، یادگیری مشاهدات و تقلید تسهیل می‌شود. بندورا «جبرگرایی متقابل» را مطرح کرد و بر این ایده است که رفتار فرد، محیط و ویژگی‌های شخصی به‌طور متقابل بر هم تاثیر می‌گذارند. به عقیده‌ی او، کودکان از مشاهده‌ی دیگران و همچنین رفتارها «الگو» می‌گیرند؛ الگوها فرایندهایی هستند که شامل توجه، حفظ، بازتولید و انگیزه می‌شوند. تحقیقات بسیاری نشان‌دهنده‌ی اهمیت الگوبرداری مثبت در یادگیری بوده است.

**نظریه ساخت‌گرایی اجتماعی:** در اواخر قرن بیستم، دیدگاه ساخت‌گرایی یادگیری با ظهور دیدگاه «شناخت و یادگیری موقعیتی» که بر نقش مهم موقعیت به ویژه تعامل اجتماعی تاکید داشت، بیشتر تغییر کرد. همچنان که آثار پیشگام ویگوتسکی و همچنین تحقیقات مردم‌شناختی و قوم‌نگاری توسط محققانی مانند روگوف و لیو پیش رفت و مورد حمایت واقع شد و انتقاد از رویکرد ساخت‌گرایی پردازنده اطلاعات نسبت به شناخت و یادگیری شدیدتر شد. ماهیت این انتقاد آن بود که ساخت‌گرایی پردازش اطلاعات، شناخت و یادگیری را به عنوان فرآیندهایی در نظر می‌گیرد که جدا از محیط اطراف و تعامل با آن در ذهن روی می‌دهد. دانش، خودکفا و مستقل



از زمینه‌هایی که در آن یافته می‌شود، در نظر گرفته شد. در دیدگاه جدید، شناخت و یادگیری به عنوان تعامل بین فرد و موقعیت شناخته می‌شود؛ دانش به عنوان امری موقعیتی و محصولی از فعالیت، زمینه و فرهنگ در نظر گرفته شده است که در آن شکل گرفته و مورد استفاده قرار می‌گیرد. این دیدگاه، استعاره جدید برای یادگیری را در قالب «مشارکت» و «تعاملات اجتماعی» امکان‌پذیر کرد.

**یادگیری تجربی:** نظریه‌های یادگیری تجربی مبتنی بر نظریه‌های یادگیری اجتماعی و ساخت‌گرا هستند، اما تجربه را در مرکز فرایند یادگیری قرار می‌دهند. این نظریه‌ها قصد دارند روش‌هایی را درک کنند که در آن تجربیات - خواه دست اول یا دست دوم - به یادگیرندگان انگیزه داده و یادگیری آنها را ارتقاء می‌بخشد. بنابراین یادگیری در مورد تجربیات معنی‌دار - در زندگی روزمره - است که منجر به تغییر در دانش و رفتار فرد می‌شود. کارل راجرز، طرفدار تأثیرگذار این نظریه‌ها است و نشان می‌دهد که یادگیری تجربی «یادگیری ابتکاری» است زیرا افراد تمایل طبیعی به یادگیری دارند؛ و زمانی که کاملاً در فرایند یادگیری دخالت دارند، یاد می‌گیرند. راجرز این بینش را مطرح می‌کند: (۱) «یادگیری تنها می‌تواند تسهیل شود: ما نمی‌توانیم به فرد دیگری مستقیماً آموزش دهیم»؛ (۲) «یادگیرندگان تحت تهدید سرسخت‌تر می‌شوند»؛ (۳) یادگیری قابل توجه در محیطی رخ می‌دهد که در آن تهدید یادگیرنده به حداقل کاهش یابد» (۴) «زمانی که یادگیری ابتکاری و خودجوش است، فرد بیشتر می‌آموزد و آموخته‌هایش ماندگاری بیشتری خواهند داشت». او از فرایند پویا و پیوسته تغییر، پشتیبانی می‌کند که در آن آموخته‌های جدید، محیط‌های یادگیری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این فرایند پویای تغییر اغلب در تحقیقات پیشین مربوط به یادگیری سازمانی در نظر گرفته می‌شود.

**نظریه یادگیری موقعیتی و جامعه عملگرا:** «نظریه یادگیری موقعیتی» و «جامعه عملگرا» بسیاری از ایده‌های نظریه‌های یادگیری را که در بالا ذکر شده، دربرمی‌گیرد. جین لیو و اتین ونگر این نظریه‌ها را مطرح کردند. نظریه یادگیری موقعیتی دریافته است که هیچ یادگیری نیست که موقعیتی نباشد. همچنین این نظریه‌ها بر ویژگی ارتباطی و مذاکره‌ای دانش و یادگیری و همچنین ماهیت مشارکتی فعالیت یادگیری برای افراد درگیر تأکید می‌کند. طبق این نظریه، یادگیری مؤثر در اجتماع‌ها روی می‌دهد. تعاملات انجام شده در یک جامعه عملگرا - به عنوان مثال همکاری، حل مسئله، اعتمادسازی، درک و روابط - دارای توانایی بالقوه برای پرورش سرمایه اجتماعی جامعه هستند که سلامت اعضای جامعه را ارتقاء می‌دهند.

توماس سرجیووانی بر این ایده تاکید می‌کند که یادگیری زمانی موثرتر است که در جوامع روی دهد. او استدلال می‌کند که نتایج علمی و اجتماعی تنها زمانی بهبود می‌یابد که کلاس‌ها به اجتماع‌های یادگیری تبدیل شود و تدریس فراگیرمحور شود. البته جوامع عملگرا محدود به مدارس نیستند، بلکه فضاهای دیگری مثل محل کار و سازمان‌ها را نیز تحت پوشش قرار می‌دهند.

## ارتباط آموزش و تدریس

دامنه کاربرد آموزش از تدریس (Teaching) گسترده‌تر است و به کلیه فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که بطور رسمی و غیررسمی، برای آموختن مطالبی یا مهارت‌هایی به فراگیر انجام می‌شود. خودآموزی، آموزش از راه دور و آموزش‌هایی که حضور مدرس الزامی نیست، زیرمجموعه آموزش قرار می‌گیرند. پس، آموزش تدریس را نیز در بر می‌گیرد.

– تعریف تدریس: تدریس در نگاه سنتی عبارت است از، بیان صریح مدرس، درباره آنچه باید یادگرفته شود. اما تدریس در نگاه جدید شامل تأثیر متقابل مدرس، شاگرد و محتوا در فضای آموزشی است. با این اوصاف، تدریس را می‌توان چنین تعریف کرد:

سلسله فعالیت‌های منظم، هدفدار و از پیش طراحی شده‌ای است که توسط مدرس با ایجاد شرایط مطلوب یادگیری و به صورت تعاملی بین مدرس، فراگیر و محتوای درسی انجام می‌گیرد.

– تعریف دیگری از تدریس: فعالیت آگاهانه و بر پایه هدف خاص است که براساس هموزی و کنش‌های متقابل بین معلم و مربی و فراگیر و محتوا در کلاس درس صورت می‌گیرد. آن دسته از فعالیت که بر پایه وضع شناختی فراگیر انجام پذیرد و موجب تغییر رفتار آنان گردد. در تعریف «تدریس»، وجود کنش و تعامل بین شاگرد و مربی، هدفداری، هدایت و ایجاد تغییرات مطلوب قابل تأمل است.

## آموزش بزرگسالان

«آموزش بزرگسالان فعالیتی است سازمان یافته به منظور ایجاد جامعه در حال یادگیری از طریق انتقال دانش و مهارت روز آمد به بزرگسالان تا بتوانند درجهت تکامل و تعالی حرکت کنند و در سرنوشت جامعه خود از لحاظ اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مشارکت فعالانه داشته باشند.

بزرگسالان ویژگی‌هایی دارند که آموزش (انجام یک دوره آموزشی) برای آنان را پیچیده و مشکل می‌کند. برخی از این ویژگی‌ها عبارتند از:

- وسعت تجربه
- نگاه کاربردی به مسائل آموزشی
- وقت کم و فشار وظایف مختلف زندگی

با این اوصاف، برخی ملاحظات را در آموزش بزرگسالان باید در نظر داشت:

۱- یادگیری از آسان به مشکل و از عینی به ذهنی: بزرگسالان مطالب را از ساده به مشکل فرا می‌گیرند بنابراین محتوای آموزشی باید از ساده به مشکل سازماندهی شود تا از هر نظر علاقه‌مندی سوادآموزان را در ارائه مطالب بعدی برانگیزد و هر مطلب پایه‌ای برای مطالب بعدی باشد. همچنین در هنگام تدریس آموزش‌های پایه بهتر است مطالب به گونه‌ای ملموس و با مصادیق عینی بیان شود تا سوادآموز مسائل را بهتر و عمیق‌تر بیاموزد، یعنی محتوای آموزش بر اساس محیط زندگی، فرهنگ، نوع کار و... آماده و ارائه شود.

۲- بهره‌گیری از روشهای فعال در تدریس و اولویت دادن به فعالیتهای گروهی و مشارکتی: فراگیران بزرگسال دوست دارند در فرایند یادگیری مشارکت داشته باشند از طرفی عواطف بزرگسالان در فعالیتهای گروهی و مشارکتی که با ابراز عقاید ایشان همراه است بهتر برانگیخته می‌شود و برانگیختن عواطف، یادگیری را عمیق‌تر و ماندگارتر می‌سازد.

برخی نکات مهم در یادگیری بزرگسالان

- بزرگسالان زمانی به یادگیری رو می‌آورند که به آن مطلب برای حل مسئله خود احساس نیاز کنند.
- بزرگسالان اعتقاد دارند که باید در یادگیری تا حد ممکن خودمختار و غیر وابسته به دیگران باشند.
- بزرگسالان به تجارب قبلی خود بسیار اهمیت می‌دهند حتی اگر تجارب مضری بوده باشد.
- بزرگسالان غالباً به اطلاعات جدید منتقل شده به آنها مشکوک هستند.
- بزرگسالان در جستجوی ربط موضوعات با مسائل دیگر هستند.

### خصایص اجتماعی بزرگسالان

بزرگسالان دارای خصایص اجتماعی هستند. مهمترین و عمده ترین خصایص اجتماعی بزرگسالان عبارتست از:

۱ - تجربیات گسترده‌ای دارند که اگر مطالب کلاس و دوره آموزشی با آن تجارب همخوان باشد، تجربیات مذکور برای مربی یک مزیت به شمار می‌آید و اگر بین مطالب دوره آموزشی و تجارب آنان اصطکاکی باشد، قطعاً برای مربی ایجاد مانع خواهد نمود.

۲ - در محیط و محل زندگی اجتماعی خویش از مسئولیت‌های مختلفی در عرصه های خانوادگی، شغلی، امور اجتماعی، مذهبی و غیره برخوردارند. پس نباید از آنها انتظاری شبیه دانش آموزان مدرسه ای داشت.

۳ - فوق‌العاده نیازمند احترام، تصدیق، تأیید و تشویق معنوی می‌باشند. بنابراین، شأن آنها باید در کلاس و دوره محفوظ بماند.

۴ - بسیار محافظه کار می باشند به طوری که این خصیصه برای مربی و آموزشگر اشکال ایجاد می‌کند؛ زیرا به راحتی نمی‌تواند از عمق نظرات بزرگسالان در زمینه کلاس، دوره و محتوای آن آگاهی یابد.

### خصایص شخصیتی و روانی بزرگسالان

شرکت در کلاس و دوره آموزشی برای بزرگسالان با اضطراب و نگرانی همراه است. زیرا در دورانی از سن خود قرار دارند که خود را صاحب تجربه و معلومات می‌دانند و با حضور در دوره و کلاس‌های یادگیری (هرچند توصیه فرهنگی و دینی می‌باشد) ولی به لحاظ شخصیتی برای او این معنی را دارد که «تو نمیدانی و باید یاد بگیری»، این امر آنها را مضطرب و نگران خواهد ساخت، بویژه اگر مطالب کلاس و دوره آموزشی با معلومات قبلی آنها همخوانی نداشته باشد، این اضطراب شدت بیشتری خواهد داشت.

مقوله دیگر که بی ارتباط با مورد قبل نمی‌باشد، خویشتن‌پنداری یا خودمحوری شکل گرفته در آنان است. بزرگسالان دارای تصاویر ذهنی مثبت و منفی از خود و توانایی خود هستند که تصورات آنها باید در دوره آموزشی توسط مربی مورد توجه قرار گیرد. در این حالت، آموزشگران باید مواظب باشند که بزرگسالانی با تصویر ذهنی مثبت به واسطه بی توجهی و عدم تأیید آموزشگر، دچار سرخوردگی نشده و از سوی دیگر با احترام گذاردن، مسئولیت دادن و تأیید و تصدیق واقعی به بزرگسالانی با تصویر ذهنی منفی، آنها را به کلاس و یادگیری امیدوار سازند.

## ماهیت تدریس بر اساس انواع دانش

هنگامی که بحث تدریس مطرح می شود، اولین پرسش آن است که تدریس ماهیتاً چگونه عملی است. آگاهی نسبت به ماهیت تدریس، چشم انداز وسیع تری نسبت به تدریس در اختیار مدرس قرار داده و وی را برای ورود به دنیای تدریس مهیاتر می سازد. در ادامه، سه نگاه رایج به ماهیت تدریس، معرفی شده است.

۱- تدریس به مثابه هنر (Teaching as an art)

از نظر هایات (Hight)، تدریس یک هنر است چون با انسان ها و عواطف آنها سروکار دارد و این مقولات از درک و تیررس علم خارج است و حتی این هنر، با کوشش ها و روش های علمی تهدید می شود.

گیج (Gage) معتقد است تدریس هنر است، اما نه هنری که هدفش خلق زیبایی و حظ هنری است، بلکه نوعی هنر عملی و کاربردی است که در بخش هایی چون تعامل با شاگردان، ماهیت هنری به خود می گیرد.

۲- تدریس به مثابه علم (Teaching as a science)

برخی صاحب نظران تدریس بر این باورند که پرسش این نیست که تدریس یک هنر است یا علم. مهم آن است که تا چه حد می توان از روش های علمی برای درک تدریس بهره گرفت. هر فعالیت هنری، از نظم درونی و قانونمندی برخوردار است و می تواند با روش های علمی، تجزیه و تحلیل شود. از این منظر، مبنای علمی تدریس یعنی بررسی و پیش بینی روابط علت و معلولی بین متغیرهای یاددهی-یادگیری.

۳- تدریس به مثابه ارزش (Teaching as a value)

از نظر کلارک (Clark)، تدریس بیش از آنکه تلاشی روشمند و علمی باشد، مجموعه ای از اصول و باورهای اخلاقی است.

وان منن (Van Manen) نیز معتقد است در تدریس، همواره اموری مانند ارزش ها، ترجیحات و هنجارها نقش اساسی دارند و لذا بعد اخلاقی تدریس، مهمتر از بعد علمی آن است.

## مؤلفه های اصلی تدریس

فرایند تدریس شامل ۵ مؤلفه اصلی است:

۱- روش (Method)

علاوه بر چگونگی انتقال مواد درسی، طراحی دروس، سازماندهی تکالیف کلاسی، بروزرسانی محتوای قدیمی و مدیریت کلاس را نیز شامل می شود.

## ۲- شناخت فراگیران (Awareness)

اطلاع از علایق، استعداد و دل‌مشغولی‌های فراگیران و پیشینه فردی و خانوادگی و عملکرد تحصیلی آنها در گذشته.

## ۳- دانش مربوط به محتوا (Knowledge)

تسلط بر مفاهیم، نظریه‌ها و تاریخچه موضوعی که مدرس آن را تدریس می‌کند.

## ۴- هدف‌ها (Ends)

از غایات اصلی تعلیم و تربیت مانند پرورش تفکر انتقادی، پرورش قوه قضاوت اخلاقی و تربیت شهروندی گرفته تا مقاصد مشخص آموزشی که با تدریس محتوای درسی اتباط می‌یابند.

## ۵- ارتباط بین مدرس و فراگیر (Relationships)

از ارتباط دوجانبه و دوستانه معلم و شاگرد مبتنی بر دیالوگ تا ارتباط یکجانه و خشک مدرس و فراگیر (مبتنی بر مونولوگ)

ضعف مدرس در هر یک از مولفه‌های فوق، موفقیت مدرس را خدشه دار خواهد کرد.

### طبقه بندی اهداف آموزشی و نحوه تدوین آن

طبقه‌بندی‌های مختلفی از هدف‌های آموزشی ارائه شده است که معروف‌ترین آنها طبقه بندی بنیامین بلوم و همکاران اوست. بلوم با همکاری تعدادی از همکاران خود، هدف‌های آموزشی را طبقه بندی کرد. طبقه‌بندی آن‌ها بسیار مشهور است. در این طبقه‌بندی، هدف‌های آموزشی در سه حیطه یا حوزه شناختی، عاطفی و روانی - حرکتی تقسیم‌بندی شده است.

در حوزه شناختی، دانش، معلومات و مهارت‌های ذهنی قرار گرفته‌اند. در حوزه عاطفی، علائق، انگیزش و نگرش‌ها قرار گرفته‌اند و در حوزه روانی و حرکتی هم فعالیت‌هایی مطرح شده‌اند که هم جنبه جسمانی و هم روانی دارند؛ مانند نوشتن یا تایپ کردن.

طبق طبقه‌بندی بلوم، هدف‌ها در حوزه شناختی شش نوع و عبارتند از:

- ۱- دانش: که گاه آن را «یادآوری و بازشناسی» نیز گفته‌اند و بازیابی دانش از حافظه دراز مدت را شامل می‌شود.
- ۲- ادراک: عبارت است از درک و فراگیری مفاهیم مستتر در یک مطلب و شامل هفت خرده طبقه تفسیر کردن، مثال آوردن، طبقه‌بندی کردن، خلاصه کردن، استنباط کردن و مقایسه کردن است.

۳- کاربرد: توانایی استفاده از مطالب آموخته شده در وضعیت‌های جدید و مشخص است. اصطلاح معمول این مرحله «حل مسئله» می‌باشد.

۴- تحلیل: توانایی تقسیم مطالب کلی به اجزای تشکیل دهنده آن و بیان روابط قسمت‌های متفاوت یک مطلب و شناخت اصول حاکم بر ساخت آن مطلب است. این مرحله دارای سه خرده طبقه متمایز کردن، سازمان دادن و نسبت‌دادن است.

۵- ترکیب: توانایی آمیختن اجزا به منظور آفرینش شکل جدید و خلاقانه از معلومات است. تولید، طرح‌ریزی و پدیدآوردن از مباحث مهم این مرحله می‌باشد.

۶- ارزشیابی: قضاوت و تعیین سطح ارزشمندی یک مطلب می‌باشد.

در حوزه عاطفی اهداف شامل پنج مرحله به شرح زیر است:

۱. دریافت کردن (توجه کردن)؛

۲. پاسخ دادن؛

۳. ارزش گذاری؛

۴. سازمان دادن ارزش‌ها؛

۵. تشخیص دادن به وسیله یک ارزش یا مجموعه‌ای از ارزش‌ها.

حوزه روانی - حرکتی را بلوم و همکارانش در اجزای کوچک‌تر طبقه‌بندی نکرده‌اند؛ ولی در هر صورت، این حیطه مربوط به سطوح حرکتی است که برای ورزشکاران یا مشاغلی مانند جراحی که نیازمند انجام حرکات دقیق هستند کاربرد دارد و در رشته‌های انسانی و مدیریت مورد استفاده زیادی ندارد. بر اساس اصلاح هارو (۱۹۷۲) بر طبقه‌بندی حوزه روانی حرکتی بلوم، مراحل زیر را می‌توان در این حوزه در نظر گرفت:

واکنش‌های خودکار (Reflex movements)

حرکات جنبشی ساده (Basic fundamental movement)

ادراکی (Perceptual)

فعالیت‌های جسمی (Physical activities)

فعالیت‌های حرکتی نیازمند مهارت (Skilled movements)

ارتباط غیر مستقیم یا زبان بدن (Non-discursive communicatio)

## الگوها و رویکردهای تدریس

برای ورود به این مبحث، لازم است تعریفی از مفهوم رویکرد ارائه گردد.

رویکرد<sup>۱</sup> (approach): موضع‌گیری یا جهت‌گیری نسبت به موضوعی خاص که در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های راهبردی یا تاکتیکی موثر است.

رویکرد تدریس: نگاه کلی‌تر و با وسعت‌نظر بیشتر مدرس به تدریس با التفات به یافته‌های حوزه‌هایی چون فلسفه، روانشناسی، جامعه‌شناسی، مدیریت و ... به منظور ارتقاء کیفیت یادگیری و رشد همه‌جانبه فراگیران.

### نمونه‌هایی از رویکردهای تدریس

رویکرد روانشناختی در تدریس: برای مدرس با این رویکرد، مواردی مانند مثال‌های زیر مهم است:

- رابطه بین مراحل رشد و نحوه ارائه مطالب درسی.

- توجه به نظریه‌های شخصیت در تعامل با شاگردان و ...

رویکرد فناوری‌محور در تدریس: برای مدرس با این رویکرد، موارد زیر مهم است:

- بهره‌گیری از انواع تکنولوژی و رسانه‌ها و ... در انتقال سریع‌تر، دقیق‌تر و عینی‌تر مطالب درسی ...

رویکرد استفاده از یافته‌های جامعه‌شناسی در تدریس: برای مدرس با این رویکرد، مواردی مانند مثال‌های زیر مهم است:

- بهره‌گیری از مفاهیمی چون تقسیم‌کار، کارگروهی، اعطای مسئولیت و پرهیز از کنترل، یادگیری مشارکتی و ... در تدریس و کلاس‌داری.

رویکرد استفاده از یافته‌های مدیریت در تدریس: برای مدرس با این رویکرد، مواردی مانند مثال‌های زیر مهم است:

مدیریت کلاس یا رهبری کلاس و ...

رویکرد فلسفی در تدریس: برای مدرس با این رویکرد، مواردی مانند مثال‌های زیر مهم است:

- بهره‌گیری از تدریس دیالوگ‌محور، نگاه انتقادی در تدریس، نگاه پست مدرن و ...

### تقسیم‌بندی فنس‌ترماخر در رویکردهای تدریس

۱- رویکرد اجرایی<sup>۲</sup>

مدرس با رویکرد اجرایی دارای ویژگی‌های زیر است:

<sup>۱</sup> - An approach to a situation is a way of thinking about it or of dealing with it.

<sup>۲</sup> - executive



- اعتقاد راسخ به برنامه ریزی در تدریس.
  - طرح درس مدون و تلاش برای اجرای کامل آن.
  - انجام ارزشیابی دقیق و مستمر و مدیریت کامل زمان کلاس.
  - مسلط به درس و ارائه مطالب به صورت سازمان یافته و ...
  - قاطع و منظم در تدریس ...
- رابطه این رویکرد با مولفه های ۵ گانه:
- بر دانش مربوط به محتوا و روش تدریس تاکید دارد.
  - تأکید مستقیم و روشنی بر شناخت فراگیر، ارتباط و هدف های غایی ندارد.
- ۲- رویکرد تسهیل گر<sup>۳</sup>
- تفکر مدرس صاحب این رویکرد:
- فراگیر قبل از ورود به کلاس، میزان قابل توجهی دانش در اختیار دارد.
  - مدرس باید وی را نسبت به دانش خود آگاه سازد و با دانش کلاسی ارتباط دهد.
  - مدرس مانند یک باغبان، تسهیل گر رشد است.
  - کتاب را تدریس می کند اما هر وقت فرصت دهد گریزی به زندگی می زند.
  - از نظر فراگیران، دوست داشتنی، فهیم و مشوق است و به همه توجه و علاقه دارد.
- رابطه این رویکرد با مولفه های ۵ گانه:
- شناخت فراگیر و ارتباط برای مدرس تسهیل گر اهمیت کلیدی دارد.
  - به دانش تا آنجا اهمیت می دهد که موجبات رشد فراگیر را فراهم کند.
  - تأکید مستقیم و روشنی بر اهداف آموزشی ملموس ندارد و هدف هایی چون انسان دوستی، امانت داری و استقلال شخصیت برایش اهمیت بیشتری دارند.
- ۳- رویکرد آزاداندیشه<sup>۴</sup>
- تعداد چنین مدرسانی زیاد نیست.
  - رویکردهای اجرایی و تسهیل گر را ارج می نهد و در زمان مقتضی بکار می برد.

<sup>۳</sup> -facilitator

<sup>۴</sup> -liberationist

- هدف اصلی آموزش را «درک آزادانه شاگرد از جهان پیرامون خود» می‌داند.
  - معتقد است هر فرد، قوم یا ملیتی می‌تواند تفسیر متفاوتی از «زندگی مطلوب» داشته باشد که در جای خود قابل احترام است.
  - وی آزاداندیش و نقاد است و تفکر انتقادی را غیرمستقیم به شاگردان می‌آموزد.
  - این رویکرد از مقطع دبیرستان به بالا، قابلیت بیشتری برای اجرا دارد.
- رابطه این رویکرد با مولفه‌های ۵ گانه: دانش و هدف‌ها برای مدرس آزاداندیش مهم هستند چون موضوعاتی برای «تمرین نقادی» به شمار می‌آیند.

### مهارت‌های تدریس

- مهارت‌های تدریس، از حیث زمان به سه دسته تقسیم می‌شوند. قبل از ورود به کلاس، در زمان تدریس (از ورود مدرس به کلاس تا خروج وی از کلاس) و هنگام ارزشیابی از میزان موفقیت تدریس در نیل به اهداف مورد نظر:
- مهارت‌های پیش از تدریس (آمادگی برای تدریس و تدوین طرح درس)
  - مهارت‌های ضمن تدریس (ارائه درس بر اساس اصول تدریس و مدیریت کلاس)
  - مهارت‌های پس از تدریس (ارزشیابی و قضاوت نسبت به عملکرد فراگیران)

**مهارت‌های پیش از تدریس:** مدرس موفق، هرگز از آمادگی پیش از تدریس، احساس بی‌نیازی نمی‌کند. آمادگی برای تدریس، شامل سه بخش می‌باشد:

۱- علمی      ۲- روحی-عاطفی      ۳- ابزاری

بخشی از آمادگی تدریس (علمی) شامل طراحی آموزشی است.

### طراحی آموزشی:

تعریف طراحی آموزشی: پیش‌بینی و تنظیم رویدادهای آموزشی بر اساس اهداف، محتوا و امکانات موجود و شرایط مخاطبان.

مراحل اجرای طراحی آموزشی:

#### ۱- شناخت و تدوین اهداف آموزشی

تعریف هدف آموزشی: (از نظر جان دیویی)

مرحله نهایی (نتیجه) یک سلسله فعالیت مستمر و منسجم آموزشی (با محوریت شاگردان و راهنمایی مدرس). هدف، به فعالیت‌های آموزشی، جهت و انگیزه می‌دهد.

تعریف هدف آموزشی: (از نظر رابرت میگر)

هدف آموزشی، وضعیت (تغییر) مطلوبی است که انتظار می‌رود در نگرش و رفتار شاگرد به وجود آید.

منابع تعیین اهداف آموزشی:

### ۱- نیاز فراگیران

- نیازهای شخصی: مانند مهارت‌های بهداشتی، تربیت بدنی، خواندن و ...

- نیازهای اجتماعی: مهارت تعامل با دیگران، مشارکت و ...

۲- نیاز جامعه: مانند نیروی انسانی متخصص، هویت و انسجام ملی، حفظ محیط زیست

۳- یافته‌های بشری در حوزه‌های معرفتی: مقدمه‌ای از دست‌آوردهای بشریت در حوزه‌های علم، فلسفه، هنر و دین.

طبقه بندی اهداف آموزشی: اهداف آموزشی از حیث کلی و جزئی بودن به سه بخش یا طبقه تقسیم می‌شوند:

۱- اهداف کلی (نهایی) (Aims): جهت‌گیری غایی و آرمانی آموزش را نشان می‌دهند.

❖ ریاضیات باید توانایی‌های ذهنی شاگردان را تقویت کند.

❖ تعلیمات دینی باید مسیر قرب الهی را برای متربی هموار سازد.

❖ درس روش‌های تدریس، باید مهارت‌های مدرسی دانشجویان را تقویت نماید.

۲- اهداف جزئی (مرحله‌ای) (Goals): برگرفته از هدف‌های کلی، ولی، محدودتر و مشخص‌تر.

❖ فراگیر باید به چهار عمل اصلی ریاضی تسلط یابد.

❖ فراگیر باید با فرایض دینی (نماز، روزه و ...) آشنا شده و به انجام آنها مقید شود.

❖ دانشجوی علوم تربیتی، باید مهارت‌های سه‌گانه تدریس را بیاموزد.

۳- اهداف رفتاری (اجرایی) (Behavioral objectives): رفتارهایی که انتظار می‌رود شاگرد پس از آموزش، از خود بروز دهد.

❖ فراگیر باید جمع دو رقم با دو رقم را انجام دهد.

❖ فراگیر باید به شیوه‌ی صحیح وضو بگیرد.

❖ دانشجو باید بتواند برای یکی از درس‌های علوم پایه دوم ابتدایی، طرح درس بنویسد.

**۲- تدوین طرح درس:** پس از آنکه مدرس، شناخت مناسبی از اهداف و منابع آنها کسب کرد، باید گام اصلی طراحی

آموزشی، یعنی تدوین طرح درس را انجام دهد.

اهمیت و ضرورت طرح درس: برخی تدوین طرح درس را ویژه مدرسان تازه کار می‌دانند. اما طرح درس دارای

محاسنی است که ربط به میزان تجربه معلم ندارد. برخی از این محاسن عبارتند از:

۱- پایبندی به اصل تفکر قبل از عمل

۲- پایبندی به اصل نظم و جدیت

۳- پایبندی به اصل آمادگی مدرس (پیش‌گیری از فراموشی مطالب، اتلاف وقت و دوباره کاری)

۴- افزایش اعتماد به نفس مدرس

۵- جلب اعتماد و رضایت مدیران، فراگیران و دیگر ذینفعان

۶- اطلاع فراگیران از موضوع هر جلسه و اهمیت یکسان تمامی جلسات کلاس

۷- اطمینان مدرس از پوشش سرفصل و رعایت محدوده زمانی دوره

۸- امکان ارزشیابی بهتر از عملکرد مدرس و فراگیران

انواع طرح درس و فرایند تدوین آن :

۱- طرح درس دوره‌ای یا سالیانه یا ترمی و مراحل تدوین آن

گام نخست: اطلاع از تقویم آموزشی و تعداد جلسات

گام دوم: تقسیم متوازن محتوای درس بر زمان خالص یا مفید تدریس

گام سوم: تعیین هدف ویژه تدریس هر جلسه

گام چهارم: تعیین و پیش‌بینی فعالیتهای مکمل آموزشی (انواع آزمونها، آموزشهای ترمیمی، رفع اشکال و مروری،

بازدیدها و گردش علمی و ...

## نمونه طرح درس سالانه

الگوی طرح کلی درس یا طرح سالانه

ماهها	درس:	روز و تاریخ جلسه	فصلها	موضوع و عنوان درس	هدف ویژه درس	فعالتهای دیگر	هدف کلی:	
							سال تحصیلی:	پایه:
ماه مهر	هفته اول	جلسه اول						
	هفته دوم	جلسه دوم						
		جلسه سوم						
	هفته سوم	جلسه چهارم						
		جلسه پنجم						
	هفته چهارم	جلسه ششم						
		جلسه هفتم						
	جلسه هشتم							
ماه آبان	هفته پنجم	جلسه نهم						
	هفته ششم	جلسه دهم						
		جلسه یازدهم						
	هفته هفتم	جلسه دوازدهم						
		جلسه سیزدهم						
	هفته هشتم	جلسه چهاردهم						
		جلسه پانزدهم						
	جلسه شانزدهم							
ماه آذر	هفته نهم	جلسه هفدهم						
	هفته دهم	جلسه هجدهم						
		جلسه نوزدهم						
	هفته یازدهم	جلسه بیستم						
		جلسه بیست و یکم						
	هفته دوازدهم	جلسه بیست و دوم						
		جلسه بیست و سوم						
	جلسه بیست و چهارم							

طرح ۲۵ این الگو فقط برای سه ماه طراحی شده است و معلمان می توانند آن را برای سه دوره سه ماهه تنظیم کنند.

## ۲- طرح درس روزانه و مراحل تدوین آن

اجزاء اصلی طرح درس روزانه:

۱- تعیین هدف درس جدید (اهداف کلی و جزئی)

۲- تعیین رفتارهای ورودی و نحوه آزمون آنها

۳- تعیین مراحل و روش تدریس

۴- انتخاب مواد، وسایل یا رسانه های لازم

۵- تعیین فعالیتهای یادگیری (مشارکت فراگیران در فرایند تدریس و فعالیتهای تمرینی)

۶- ارزشیابی از نتیجه تدریس

مراحل نوشتن طرح درس روزانه: به طور کلی برای تهیه یک طرح درس روزانه، مراحل و نکات زیر را به ترتیب

دنبال می کنیم.

۱- مشخصات کلی: ابتدا باید نام درس، موضوع درس، مدت جلسه، شماره طرح درس، نام دوره، نام معلم و تاریخ را در بالای صفحه کاربرگ طرح درس نوشته شود.

۲- مشخص کردن اهداف کلی، جزئی و رفتاری:

طبقه‌بندی اهداف، قبلاً بیان شده است.

۳- وسایل آموزشی: انتخاب رسانه‌های مناسب منجر به آموزش مؤثرتر خواهد شد. از یک رسانه آموزشی نمی‌توان در همه موقعیت‌های آموزشی استفاده کرد. هر موقعیت آموزشی رسانه خاص خود را طلب می‌کند. بدون توجه به قابلیت‌های رسانه‌های آموزشی در موقعیت‌های مختلف، نمی‌توان از آنها استفاده مناسبی به عمل آورد. برای شناسایی یک رسانه‌ی مناسب، ابتدا باید به چند پرسش پاسخ داد. این پرسشها عبارتند از:

هدف از ایجاد ارتباط چیست؟ چه کسی می‌خواهد ارتباط برقرار کند و چه ویژگی‌هایی دارد؟ مخاطب ارتباط کیست؟ چه میزان پذیرش دارد؟ ویژگی‌های او چیست؟ شرایط زمانی و مکانی برقراری ارتباط چیست؟ و برای انجام این کار چه امکاناتی وجود دارد؟

به طور کلی عوامل مؤثر در انتخاب رسانه‌ها عبارتند از: ۱- نوع هدف‌های آموزشی ۲- ویژگی‌های مخاطبان ۳- روش‌های فنون آموزشی ۴- قابلیت رسانه برای انتقال پیام مورد نظر ۵- جذابیت رسانه ۶- کیفیت فنی هنری ۷- عملی بودن و سهولت کاربرد ۸- اقتصادی بودن.

۴- روش‌های تدریس: با پیشرفت علوم و فنون و پیچیده شدن جوامع بشری، نیازهای فردی اجتماعی نیز پیچیده‌تر می‌شود و برای ارضاء نیازهای پیچیده احتیاج به علوم و فنون پیچیده‌تر می‌باشد. کسب علوم و فنون در سایه به کارگیری روش‌های مفید و مؤثر، جدید و کارآمد در آموزش امکان‌پذیر است. به همین دلیل به منظور نیل به اهداف آموزشی تعیین شده بهره‌گیری از روش‌های تدریس و الگوهای تدریس متناسب با هدف‌های درس و نوع مطالب و بحث، نوع کلاس، تعداد دانش‌آموزان و غیره روش‌ها و الگوهای خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۵- مقدمات قبل از شروع درس: هر معلمی قبل از شروع درس باید از حضور دانش‌آموزان آگاهی حاصل کند، همچنین مطمئن شود که آنان از سلامت روحی و جسمی برای شروع درس آمادگی دارند، زیرا دانش‌آموزان باید در آغاز درس احساس آرامش نمایند و مشتاقانه منتظر یاد گرفتن درس جدید باشند، پیش از شروع درس جدید چنانچه از قبل تکلیفی برای دانش‌آموزان تعیین شده است مورد بازدید و بررسی قرار گیرد و برنامه‌های دیگر با

صلاح‌دید معلم انجام می‌گیرد. ولی باید توجه داشت که کارهای قبل از شروع درس نباید زیاد طول بکشد زیرا طولانی شدن این مرحله از شور و شوق اولیه فراگیران می‌کاهد.

۶- ارزشیابی تشخیصی: پیش از آغاز درس جدید معلم باید رفتار ورودی دانش‌آموزان را مشخص سازد دکترسیف معتقد است که: "رفتار ورودی بر آمادگی فرد برای یادگیری رفتاری تازه دلالت دارد. به سخن دیگر آنچه کسی قبلاً یادگرفته است یا آنچه برای شروع به یادگیری مطلبی تازه می‌بایست یادگرفته باشد رفتار ورودی او نامیده می‌شود".

معلم قبل از شروع درس جدید باید اطمینان حاصل کند که دانش‌آموزان مطالب درس قبل، به خصوص مطالبی که دانستن آنها برای درس جدید پیش نیاز محسوب می‌شود را می‌دانند. به همین دلیل به هر طریق که لازم می‌داند از پیش دانسته‌های دانش‌آموزان ارزشیابی به عمل می‌آورد. نوع ارزشیابی بستگی به نوع درس و هدف‌های درسی می‌تواند از سؤال شفاهی تا آزمون کتبی متغیر باشد توجه به میزان اطلاعات قبلی دانش‌آموزان، از این بابت که سطح درس دادن براساس آن تنظیم شود، ضروری می‌باشد.

۷- آماده‌سازی: آماده‌سازی فعالیتی است که معلم از طریق آن سعی می‌کند ارتباط معنی‌دار بین تجربیات قبلی و انتظارات و نیازهای شاگردان با هدف‌های آموزشی کلاس برقرار کند. معلم پیش از آنکه مطلب اصلی را به دانش‌آموزان ارائه دهد باید ذهن و حواس آنها را برای آموختن درس جدید جلب نماید.

معلمان مسئولان پدیدآوری موقعیت‌هایی هستند که در کارآموزان و دانش‌آموزان ایجاد انگیزه کنند و آنان باید موضوعات درس و سایر مواد آموزشی را به گونه‌ای آراسته و ترتیب دهند که نیازهای فراگیرندگان برآورده شود.

۸- ارائه درس: این قسمت اساس طرح درس را تشکیل می‌دهد و باید به کامل‌ترین وجه تنظیم گردد. درس جدید باید بر پایه دانسته‌ها و تجارب قبلی دانش‌آموزان طراحی و ارائه گردد، بطوری که ارتباط منطقی درس جدید با مرحله آماده‌سازی حفظ گردد. مطالب ارائه شده باید دارای پیوستگی و نظم منطقی باشد، معلم باید فعالیت‌هایی را که به روشها و فنون تدریس مربوط می‌شود در ارائه درس به اختصار مشخص نماید و تنها نام بردن از عنوان کلی روش‌ها و الگوهای تدریس کافی نیست، بلکه لازم است نوع فعالیت‌هایی را که معلم می‌خواهد در جریان ارائه انجام دهد در این قسمت قید نماید.

۹- فعالیتهای تکمیلی: انتخاب روش برای انجام فعالیتهای تکمیلی به موضوع و هدف درس بستگی دارد. به عنوان مثال، اگر درسی که ارائه می شود به جمع بندی نیاز دارد معلم باید نوع آن را انتخاب کند، آیا جمع بندی را به طور شفاهی انجام می دهد و یا به صورت های دیگر و غیره.

برخی از روش های متداول برای انجام فعالیتهای تکمیلی عبارتند از: خلاصه نویسی روی تابلو(تخته سیاه)، یادداشت نکات درس توسط دانش آموزان، نمایش عروسکی و پوستر، ایفای نقش، سؤال شفاهی، طرح مساله های جدید و تکلیف های مروری.

چنانچه برای تکمیل درس تمرین لازم باشد باید نوع تمرین و چگونگی انجام آن در طرح درس مشخص گردد. مثلاً اگر قرار است دانش آموزان تمرین های کتاب را انجام دهند، باید تمرین های مورد نظر با ذکر صفحه در طرح درس قید گردد.

۱۰- ارزشیابی تکوینی: ارزشیابی تکوینی به معنای ارزشیابی در همه مراحل تهیه برنامه است. در سراسر فرایند تدوین برنامه باید انجام ارزیابی پرداخت و در هیچ شرایطی نباید ارزیابی را وانهاد.

پس از پایان یافتن تدریس ، معلم از نتیجه ی کار خود و میزان آموخته های دانش آموزان ارزشیابی به عمل می آورد. ارزشیابی تکوینی می تواند جزء فعالیتهای تکمیلی نیز به حساب آید مانند بازدید دفترهای تمرین به منظور رفع اشکال های موجود ، جمع آوری پاسخ های دانش آموزان در مورد سؤال مطرح شده در کلاس ، ثبت اشتباهات دانش آموزان در دفتر جبرانی و دقت در رفتارهایی که نشانه علاقه مندی و یا عدم علاقه دانش آموزان نسبت به درس نیز می تواند در ارزشیابی تکوینی قرار گیرد.

نمونه ای تکمیل نشده از طرح درس روزانه:





## ۲- آشنایی با اصول تدریس و مدیریت کلاس: دومین بخش از مهارت‌های ضمن تدریس، «آشنایی با اصول تدریس و

مدیریت کلاس» است. در این بخش، ۵ اصل مهم تدریس را مرور می‌کنیم:

اصل ۱- زمینه‌سازی مناسب جهت شروع تدریس:

پیامدها:

۱- ایجاد ارتباط مناسب بین مدرس و فراگیر

۲- بررسی ذهنیت اولیه نسبت به درس و رفع سوء برداشت‌های احتمالی

۳- جلب توجه همگانی برای شروع تدریس

۴- ایجاد انگیزه برای یادگیری

اصل ۲- اصل استمرار توجه فراگیران در طول تدریس:

عوامل مهم در جلب توجه یا اختلال در توجه:

۱- حرکت مدرس در فضای کلاس

۲- زاویه نگاه مدرس.

۳- آهنگ صدا و نقش آن در مدیریت کلاس و تفهیم بهتر

۴- بیان: شور و حرارت در بیان، لهجه، تکیه کلام، سرعت بیان.

۵- ظاهر مدرس.

۶- بهره‌گیری از مهارت‌های کلامی و ارتباطی

اصل ۳: پیشگیری از سنگین شدن فضای کلاس:

برای پیشگیری از سنگین شدن فضای کلاس، می‌توان اقدامات زیر را انجام داد:

- ایجاد صمیمیت حقیقی

- ایجاد ارتباط بین محتوای تدریس و زندگی واقعی دانش‌جویان

- استفاده هنرمندانه و بجا از طنز

- استراحت ذهنی

- ایجاد فضای غیر رسمی به صورت موقت

اصل ۴: مشارکت فراگیران در فرایند تدریس:

- پرسش و پاسخ (انواع پرسش در کلاس: تأکیدی، تمرینی، جلب توجه، خودآگاهی)

- دعوت به اظهارنظر

- تشویق به یادداشت برداری حرفه‌ای

اصل ۵: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

- مرور محورهای اصلی درس و بیان ارتباط آنها با یکدیگر

- بیان زنجیره ارتباطی درس با دروس گذشته و آینده

- پاسخ به سؤالات و ابهامات احتمالی

- تعیین تکلیف برای جلسه آینده

- تشکر از مشارکت همه دانشجویان و احساس رضایت از جو کلاس

**۳- آشنایی با روش‌های تدریس:** بخش مهمی از مهارت‌های ضمن تدریس (پس از برقراری ارتباط و آشنایی با اصول

تدریس و کلاس‌داری)، آشنایی مدرس با روش‌های تدریس است. برخی از مهم‌ترین و مشهورترین روش‌های تدریس در ادامه ذکر می‌شود.

**۱- توضیحی (expository):** یکی از مرسوم‌ترین روش‌های تدریس در دنیای امروز، روش توضیحی است. این روش، شامل شرح و توضیح مطالب درسی با استفاده از متن کتاب، شکل، نمودار، ماکت و ... است. آزوبل (Ausoble) از پیشگامان روش توضیحی است. او معتقد است گاه تشخیص مطالب اصلی از فرعی برای فراگیران مشکل است. این جاست که توضیح و تأکید مدرس بر مطالب اصلی، یادگیری را آسانتر و سریعتر می‌کند.

دو نکته:

❖ مدرس می‌تواند با بهره‌گیری از تجارب واقعی شاگرد، ارائه مثال و بیان شباهتها و تفاوتها، یادگیری را غنی‌تر سازد.

❖ توضیح مدرس باید تا حد ممکن ساده و کوتاه باشد.

**۲- سخنرانی (lecture):** سخنرانی نیز مانند روش توضیحی، نوعی آموزش کلامی است با این تفاوت که سازماندهی آن توسط مدرس ایجاد شده و نقطه اتکای مدرس در زمان سخنرانی، کتاب یا دیگر مواد آموزشی نیست. این روش، علاوه بر کلاس درس در دیگر موقعیت‌های حرفه‌ای مدرس کاربرد دارد (مثلاً سخنرانی برای جمعی از

همکاران). در دانشگاه‌های بزرگ دنیا، بسیاری از مدرسان به عنوان سخنران (lecturer) از این روش استفاده می‌کنند. امروزه در جهان، مهارت در سخنرانی نه تنها برای تدریس، بلکه به عنوان روشی تأثیرگذار در بیان و ارائه دیدگاهها در حوزه های مختلف کاربرد دارد.

بخش‌های یک سخنرانی: یک سخنرانی شامل بخش‌های زیر است:

۱- مقدمه: در مقدمه توجه به موارد زیر ضروری می‌باشد:

- ایجاد حس کنجکاوی در مخاطب

- ایجاد انگیزه (تازگی، اهمیت و کاربرد بحث)

- اعلام صریح هدف و موضوع سخنرانی

- اعلام انتظارات سخنران از مخاطب

۲- ارائه اصلی (بدنه): این بخش، بخش اصلی سخنرانی می‌باشد و توجه به نکات زیر ضروری است:

- بیان منظم و سازماندهی شده (زنجیره ای - چند دسته ای)

- حرکت از کل به جزء

- تقسیم بندی متوازن

- حرکت در مسیر موضوع و پرهیز از حاشیه روی

۳- بخش پایانی: در پایان سخنرانی لازم است موارد به شرح زیر را مورد توجه قرار دهیم.

- خلاصه کردن

- جمع بندی

- پاسخ به سوالات

- حسن ختام

عوامل افزایش کارایی و موفقیت سخنرانی: به منظور موفق بودن در سخنرانی و اطمینان از این که مطالب را به

خوبی انتقال می‌دهیم، توجه به نکات زیر ضروری می‌باشد:

- آمادگی

- تسلط به تکنیک‌های رفع استرس

- صدای مناسب (رسا، فراز و فرود هنرمندانه، سرعت مناسب، واضح و تلفظ صحیح)

- زمانبندی نسبتاً دقیق

- پرسش و پاسخ سنجیده و هدفدار

- تغییر مناسب کانال‌های ارتباطی

- تناسب سطح سخنرانی با دانش و تجربه مخاطبین

محاسن روش سخنرانی:

۱- قابل استفاده در کلاس‌های پرجمعیت (سهولت کنترل کلاس)

۲- فهم آسان برای فراگیرانی که با مطالعه، رابطه خوبی ندارند.

۳- مقرون به صرفه (انتقال مطالب زیاد در زمان کم)

۴- قابلیت تکمیل یا اصلاح کتاب درسی با تجربه و دانش مدرس

محدودیت‌های روش سخنرانی:

۱- در صورت عدم مهارت مدرس، خسته کننده و ملال آور است.

۲- عدم مهارت مدرس، تعامل را به حداقل می‌رساند.

۳- ماهیت هنری دارد و هر مدرسی نمی‌تواند از آن بهره ببرد.

۴- می‌تواند ابزاری برای القای گرایشهای فردی مدرس باشد.

۳- روش (فن) پرسش و پاسخ: پرسش و پاسخ هم می‌تواند به عنوان یک روش تدریس مستقل و هم به عنوان یک

فن (تکنیک) در خدمت روش‌های دیگر باشد. در روش تدریس پرسش و پاسخ (مستقل)، مدرس به کمک

پرسش‌های متوالی و برنامه‌ریزی شده، شاگردان را به تفکر واداشته و دانش و تجارب آنها را سازماندهی مجدد

می‌کند و به طور غیرمستقیم به هدف آموزشی مورد نظر، دست می‌یابد. روش سقراطی، نمونه‌ای مشهور از روش

پرسش و پاسخ است.

مهارت‌های لازم برای روش تدریس پرسش و پاسخ:

۱- متن پرسش باید روشن و خالی از ابهام و مفاهیم نامأنوس باشد.

۲- هر پاسخ، نوعی مشارکت در تدریس است و باید با گشاده رویی مدرس مواجه شود.

۳- مدرس باید از تعجیل در پاسخ دادن به جواب‌ها خودداری کند.

(فرصت تأمل بیشتر و جواب دقیقتر و عمیق‌تر فراگیر)

۴- پرسش باید مخاطب عام داشته باشد و بعد به اقتضای شرایط، مخاطب خاص پیدا کند.

۵- هدف پرسش نباید تحقیر، مچ گیری و تسویه حساب با فراگیر باشد.

۶- مدرس باید با انواع پرسش‌ها آشنا باشد و در موقع مناسب از آنها استفاده کند.

(انواع پرسش‌ها: تأکیدی، تمرینی/مروری، خودآگاهی، جلب توجه)

۷- پرسش باید سطوح مختلف حیطة شناختی را شامل شود.

۸- پرسش‌ها باید عادلانه توزیع شود و ویژه عده ای خاص نباشد.

نمونه‌ای از روش تدریس پرسش و پاسخ:

مدرس: نتایج تحقیقات نشان می دهد در سالهای اخیر، میزان آب دریای خزر بسیار کمتر و آلودگی آن افزایش یافته است. این اتفاق چه عواقبی دارد؟

- فراگیر ۱: سفر مردم به شمال کمتر شده و درآمد مردم گیلان و مازندران کم می شود...
- مدرس: بله! به گردشگردی منطقه زیان وارد می شود. آیا ضررهای دیگر هم دارد؟
- فراگیر ۲: جان ماهی ها و پرندگان به خطر می افتد...
- مدرس: درست است... گونه‌های گیاهی و جانوری در معرض نابودی قرار می گیرند. آیا نوع آب و هوا هم تغییر می کند؟

فراگیر ۳: بله ممکن است مقدار باران و رطوبت کم شود...

مدرس: آفرین! این موضوع را تغییر زیست محیطی می گویند. که جنگل‌ها، مراتع و ماهی ها و ... را از بین می

برد و ... تعداد زیادی از مردم بی کار می شوند. بعد چه اتفاقی می افتد؟

فراگیر ۳: ممکن است مردم برای پیدا کردن شغل به جاهای دیگر بروند.

مدرس: دقیقاً ... مشکل مهاجرت هم به مشکلات منطقه اضافه می شود.....

در پایان، مدرس به جمع بندی و نتیجه گیری می پردازد.

محاسن روش تدریس پرسش و پاسخ

۱- قدرت استدلال و تحلیل شاگردان را تقویت می کند.

۲- با افزایش مشارکت فراگیران تدریس را تعاملی می سازد.

۳- انگیزه فعالیت، مطالعه و تحقیق را در شاگردان افزایش می دهد.

۴- یادگیری را جذاب و پایدارتر می‌سازد.

محدودیت‌های روش پرسش و پاسخ

۱- در کلاسهای پرجمعیت چندان مناسب نیست.

۲- برای همه مباحث و دروس قابل استفاده نیست.

۳- در صورت عدم تسلط مدرس، ممکن است به پراکندگی و انحراف در بحث و حتی کشمکش بیانجامد.

۴- روش بحث گروهی: روشی است مبتنی بر گفتگویی جمعی درباره موضوعی از پیش تعیین شده که به شاگردان

فرصت می‌دهد دانشته‌ها، تجربیات و عقاید خود با دیگران در میان بگذارند. بحث گروهی مانند پرسش و پاسخ،

«روشی تعاملی» است که زمینه مشارکت فعالانه شاگردان را در فرایند تدریس فراهم می‌آورد و محوریت

شاگردان نسبت به پرسش و پاسخ پررنگ‌تر است. همچنین در بحث گروهی فراگیران به توانایی سازماندهی

عقاید خود و ارزیابی و نقد دیدگاه‌های دیگران دست می‌یابند.

مراحل اجرای بحث گروهی:

مرحله اول: آمادگی و برنامه‌ریزی

۱- انتخاب موضوع:

۱-۱- در راستای اهداف آموزشی تعیین شده باشد.

۱-۲- مورد علاقه مشترک شرکت کنندگان باشد.

۱-۳- شاگردان درباره آن اطلاعات داشته باشند یا بتوانند کسب کنند.

۱-۴- چالش برانگیز باشد تا بتوان درباره آن نظریات مختلف و متفاوت داد.

۲- فراهم کردن زمینه مشترک:

۱-۲- ایجاد انگیزه در شرکت کنندگان

۲-۲- متعادل کردن اطلاعات شرکت کنندگان نسبت به موضوع (راهنمایی مدرس برای کسب اطلاعات توسط

شاگردان از طرق مختلف)

۳- تعیین نحوه آرایش شبکه‌های ارتباطی

ترکیب قرار گرفتن شرکت کنندگان بحث گروهی در نوع ارتباط موثر است.

۴- انتخاب افراد و تعیین نقش آنها: اداره کننده (رهبر گروه)/ شاگردان/ شخص مطلع/ ناظر/ منشی

مرحله دوم: اجرای بحث گروهی

۱- مقدمه بحث:

۱-۱- گوشزد کردن هدف و ضوابط بحث گروهی توسط مدرس.

۲-۱- شروع بحث با معرفی موضوع و طرح سوالات بنیادین و برانگیزاننده.

۲- کنترل و هدایت بحث:

۱-۲- پرهیز مدرس از مشارکت در بحث.

۲-۲- ورود در هنگام انحراف بحث، یکجانبه شدن، بی نظمی و ... .

۳-۲- پرهیز از طرفداری یا مخالفت با برخی شرکت کنندگان.

۴-۲- به بحث کشیدن افراد کم صحبت.

۵-۲- کنترل افراد بیش فعال!

۶-۲- یادآوری ابعاد مغفول بحث.

۷-۲- ایجاد فرصت مناسب برای اندیشیدن.

۸-۲- تشویق به یادداشت برداری حرفه‌ای.

۹-۲- کمک به خلاصه کردن و جمع بندی.

۱۰-۲- نتیجه گیری منصفانه.

ویژگی های مثبت روش بحث گروهی

- یادگیری عمیق تر
- پرورش تفکر انتقادی
- توانایی اظهارنظر در جمع
- افزایش انتقادپذیری
- تقویت قدرت بیان و استدلال
- توانایی همراهی با گروه

۵- روش نمایشی (demonstration): برخلاف روش های گفتگو محور قبلی، روش نمایشی بر مشاهده و دیدن استوار

است. در این روش، فراگیران از طریق مشاهده مستقیم، دانش یا مهارتی خاص یا طرز کاربرد وسیله ای را



فرامی گیرند. (درس هایی که جنبه عملی و فنی دارند). ویژگی مهم این روش، کاربرد وسایل یا ابزارهای واقعی در آموزش است. (گاه از نمونه نزدیک به واقعیت مثلاً ماکت استفاده می شود). روش نمایشی معمولاً با روش توضیحی همراه است.

مراحل اجرای روش نمایشی

۱- آمادگی:

- تعیین هدف و زمانبندی تدریس

- آماده کردن وسیله مورد نظر، بازبینی و اجرای آزمایشی

۲- توضیح:

- بیان واضح هدف تدریس و کاربرد مهارت مورد نظر

- طرح سوالاتی که مدرس انتظار دارد در پایان تدریس، فراگیران به آنها پاسخ دهند.

۳- نمایش:

- اجرای عملیات یا مهارت توسط مدرس همراه با توضیحات لازم

- تکرار بدون توضیح به منظور تمرکز فراگیران بر عمل

۴- آزمایش و سنجش:

- اجرای عمل توسط تعدادی از فراگیران با حضور و نظارت مدرس

- طرح سوالات و پاسخ فراگیران به منظور تقویت و تثبیت یادگیری

۶- روش ایفای نقش (Role playing): روشی برای تجسم عینی موضوعات درسی توسط شاگرد و یا فراگیران است. در این روش فرد یا گروهی از فراگیران موضوعی را به شکل نمایشنامه اجرا می کنند و بقیه فراگیران مشاهده گر هستند. چون مشاهده کنندگان با تمرکز، هیجان و ارتباط عاطفی مراحل نمایش را دنبال می کنند، یادگیری سریعتر و ماندگارتر خواهد بود.

شرکت کنندگان در روش ایفای نقش

❖ مدرس (کارگردان): برنامه ریزی، فراهم کردن امکانات، و مدیریت اجرایی برنامه نمایش به عهده مدرس است.

❖ ایفاگران نقش: شاگردانی که بطور داوطلب یا انتخابی در برنامه شرکت می کنند. این افراد الزاماً نیازی به داشتن تجربه و ذوق هنری در زمینه‌ی نمایش ندارند.

❖ مشاهده کنندگان: سایر شاگردان در جریان یا پایان نمایش می توانند درباره موضوعات طرح شده در نمایش اظهار نظر، سؤال یا بحث کنند.

#### مراحل اجرای روش ایفای نقش

۱. تعیین موضوع و نوشتن آن بصورت نمایش نامه،
۲. فراهم کردن شرایط و وسایل لازم برای اجرای نمایش،
۳. تعیین نقش هایی که باید ایفا شوند،
۴. آماده کردن فراگیران برای ایفای نقش (گرم کردن و تمرین دادن)،
۵. توضیح مختصر در مورد موضوع و هدف نمایش برای شاگردان،
۶. اجرای نمایش نامه،
۷. بحث درباره محتوا و چگونگی اجرای نمایش نامه و ارزشیابی نتایج.

#### محاسن روش ایفای نقش

- ۱- شاگردان با شور و شوق و هیجان، نمایش را دنبال می کنند؛
۲. با این روش، می توان زمینه‌ی بحث گروهی را فراهم ساخت؛
۳. این روش برای رفع کمرویی افراد خجالتی مفید است؛

#### محدودیت های روش ایفای نقش

۱- این روش به دلیل اینکه در ظاهر جنبه نمایشی و هنری دارد، ممکن است یک روش آموزشی جدی تلقی نشود؛

۲- روش ایفای نقش به اجرای درست، صرف وقت زیاد و تدارکات نیاز دارد و اجرای آن وقت گیر است.

۷. روش آزمایشی (experiment): روش آزمایشی یا آزمایشگاهی، روشی است برای آشنا کردن فراگیران با جنبه های عملی یک مفهوم. (روش های مبتنی بر مشاهده) گاهی روش آزمایشی، شکل یادگیری اکتشافی به خود می گیرد یعنی شرایطی فراهم می شود که فراگیران از طریق آزمایش به پژوهش بپردازند و جواب مسئله را کشف کنند. این روش برای پرورش حس کنجکاوی و تقویت نیروی اکتشاف در فراگیران مناسب است. آزمایش معمولاً در

آزمایشگاه انجام می‌شود، اما نداشتن آزمایشگاه یا وسایل مناسب در محل آموزش، نباید دلیلی بر عدم اجرای این روش باشد. گاه وسایل را می‌توان با کمک شاگردان یا دیگران فراهم نمود و کلاس را به آزمایشگاه موقت تبدیل کرد.

چند اصل مهم در روش آزمایشی (آزمایشگاهی)

- ۱- وسایل و ابزار آزمایش قبل از تدریس فراهم و سازمان‌دهی شود.
۲. قبل از آزمایش، برای اطمینان، آزمایش به صورت تمرینی انجام شود.
۳. هنگام آزمایش، وسایل غیرمرتبط در معرض دید شاگردان نباشد.
۴. قبل از آزمایش، به وسیله پرسش، توجه شاگردان به جریان آزمایش جلب شود.
۵. آزمایش به گونه‌ای انجام شود که همه‌ی شاگردان به راحتی بتوانند آن را ببینند.
۶. در ضمن آزمایش، از سایر روش‌ها، مثلاً روش توضیحی نیز استفاده شود.
۷. تا حد امکان، آزمایش توسط فراگیران و با نظارت مدرس انجام شود.
۸. گاه لازم است مدرس برخی جزئیات را شرح ندهد تا فراگیران را به تفکر وادارد.
۹. اطلاعات یک آزمایش باید تا حد ممکن با مسائل روزمره زندگی ارتباط یابد.

محاسن و محدودیت‌های روش آزمایشی (آزمایشگاهی)

- ۱- چون یادگیری از طریق تجارب مستقیم حاصل شده است، یادگیری با ثبات‌تر و مؤثرتر خواهد بود.
۲. شاگردان علاوه بر دست یافتن به هدف‌های آموزشی، روش آزمایش کردن را نیز یاد می‌گیرند.
۳. این روش فعالیت‌های آموزشی را برای فراگیران جالب و شیرین می‌کند و در نتیجه، آنان را کمتر خسته و بی‌حوصله می‌کند.

۴. احتیاج به وسایل و امکانات فراوان دارد.

۵. به مدرسان آگاه و مجرب که خود با روش آزمایشی آشنایی داشته باشند، نیاز دارد.

۶. در صورت عدم کنترل، ممکن است به صورت غلط اجرا شود و این روش غلط در رفتار شاگردان تثبیت گردد.

۸. روش اکتشافی (discovery) : تدریس اکتشافی فرایندی است که فراگیر به طور مستقل یا با راهنمایی مدرس، اصل یا قانونی را کشف و یا مسئله‌ای را حل می‌کند. میزان راهنمایی مدرس می‌تواند با توجه به عواملی متغیر

باشد:

- هوش، استعداد و دانش فراگیران

- درجه دشواری مسئله

اهداف روش اکتشافی:

۱- ایجاد زمینه تفکر و کاوشگری در فراگیران

۲- عادی شدن مواجهه با مساله برای شاگردان

۳- ایجاد زمینه گفتگو و تعامل بین فراگیران

چند نکته در مورد روش‌های تدریس

۱- مدرس بدون شناخت و تمرین روش‌های مختلف تدریس، قادر به انتخاب بهترین روش در موقعیت‌های

مختلف آموزشی نخواهد بود.

۲- هیچ روشی بر روش دیگر برتری ندارد و عواملی چون نوع محتوا، موقعیت شاگردان و توانایی مدرس و ...

انتخاب یک روش را موجه می‌سازد.

۳- هیچ روشی به تنهایی کامل نیست و صاحب‌نظران تربیتی، روش‌های ترکیبی را توصیه می‌کنند.

۴- به کارگیری روش‌های متنوع توسط مدرس، فرایند تدریس را جذاب تر و یادگیری را پایدارتر خواهد کرد.

پایان